

پناهنده به عنوان واژه مطرح در مباحثات بین المللی، برمیگردد به دوران ننگین و فاجعه آمیز جنگهای اول جهانی سالهای ( 1912-1913 و 1919-1922) که مصادف بود به سالهای تأسیس مجمع ملتها<sup>1</sup>. طی ایندوران متشنج، اتباع کشور های درگیر جنگ بنا بر عوامل متعدد، کشور بومی خود را ترک می گفتند و از سرزمین امن تری پناه گاه می جستند. جنگهای متواتر و منازعات منطقوی - داخلی سبب آن میگردد تا کمیت پناه جویان بیشتر و بیشتر گردیده و باعث درگیریها و کشمکش های دیپلماتیک و سیاسی نیز گردد. میز های مذاکرات سیاسی در دهه بیست و دهه چهلیم قرن پیش، شاهد مناقشات و مباحثات جنجال برانگیزی درین زمینه بوده اند. این دوران در آثار جاودان نویسنده گان و شعرای بزرگ همین عصر که خود قربانیان آن عصر بوده اند با زیبایی های خاصی تجلی یافته است.

حدودا نیم قرن تمام ( سال های 1919-1969 ) جامعه جهانی تلاش های دوام دار خود برای فراهم آوری راه حل مناسب و برون رفت از این مشکلات به خرج داد و به دستاورد هایی نیز نایل آمد. در پنج دهه یاد شده، با اهمیت ترین اسناد معتبر جهانی درین راستا شکل گرفتند، تصویب شدند و به اجرا درآمدند. از جمله برازنده ترین این اسناد میتوان از اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر و شهر وند، اعلامیه جهانی حقوق کودک، میثاق جهانی رفع هر نوع تبعیض نژادی، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین المللی منعقدۀ اپریل سال 1951 در امور پناهنده گان، پرتوکول منعقدۀ سال 1967 در رابطه به حالت حقوقی پناهنده گان، میثاق منعقدۀ ای سال 1969 در رابطه با دشواریهای وضعیت پناهنده گان. مقیم در افریقا یادمانی کرد که در حقیقت نیروی مستحکمی در دفاع از حقوق بشر به شمار میروند. کمیشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده گان<sup>2</sup> و سازمان بین المللی مهاجرین<sup>3</sup> شروع به کار نمودند. کمیته ها، مراکز و موسسات حقوق بشر در نقاط مختلف جهان ایجاد گردیدند و اصول نامه معروف پاریس به امضا رسید که بر اساس آن در جوامع دموکراتیک، دولتها موظف به تأسیس نهاد های ملی حقوق بشر<sup>4</sup> در محدوده خویش گردیده، استقلالیت این موسسات را متضمن میگردند و در اجرای امورات به آنان کمک می نمایند.

در سال 1975 مجمع عمومی سازمان ملل متحد فیصله نامه را به تصویب رسانید که مطابق آن کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهنده گان موظف گردید تا با ارایه گزارش همه جانبه از تطبیق فیصله های سازمان ملل متحد و وضعیت پناهنده گان در جهان و نحوه برخورد با آنان، سازمان ملل و سایر نهاد های جهانی را در جریان قرار دهد. در بیست و دوم ماه نوامبر سال 1984 اعلامیه مشهور «کارتاجینا» به تصویب رسید و کشور های قاره امریکا نیز به فیصله های کنوانسیون ژنیو در امور پناهنده گان صحنه گذاشتند.

اما حوادث اخیر از اوضاع نا به سامان جهان نشان میدهد که شهروندان کشور های درگیر جنگ و کشور های در بند استبداد به یک نوع سرگردانی و بی سرنوشتی متداوم درگیر مانده اند. به این قربانیان بیگناه که اکثرا قربانیان تضاد های داخلی اند. اصطلاح بیجاشده گان<sup>5</sup> (پناهنده گانیکه بنا به مشکلات متعدد در کشور اصلی خویش بی جا شده اند) اطلاق میگردد. گونه مثال: کرد های عراق، بیجا شده گان در منطقه بالکان، کشورهای مشترک المنافع... و در نهایت هم میهنان ما که به گونه ها و عوامل مختلف از یک گوشه به کناره دیگر وطن و کشورهای همسایه پناه گاه میجویند.

<sup>1</sup> League of Nations

<sup>2</sup> UNHCR United Nation High Commissioner for Refugee

<sup>3</sup> IOM International Organisation of Migration

<sup>4</sup> National Human Rights Institution این نهاد ها به بررسی و تحقیق، بخش اطلاعات و تعلیم و تربیت در امور حقوق بشر پرداخته و دولت ها را در صورت تخطی و سر پیچی از موازین حقوق بشر مراقبت مینمایند. عده ای از این نهاد ها سوا از مسایل ملی در سطح جهانی نیز نقش مفیدی بازی میکنند.

<sup>5</sup> Displaced people

مشکل دیگر را وضعیت پناهنده گانی تشکیل می‌دهد که زادگاه خودشانرا ترک و به سرزمین دیگری پناه می‌آورند. نگاهی به وضعیت خود مان نیاز مثال را مرفوع می‌سازد. برای آنکه به گونه لازم حالت حقوقی خویشرا مطابق نورم های پذیرفته شده بین المللی بشناسیم، لازم می‌افتد تا مکثی در باب خصوصیات و تفاوت های مهم بیجا شده گان اعم از مجارین و پناهنده گان داشته باشیم و خاصتا اینکه فرق میان آنها چیست و ما مطعلق به کدام آنیم؟

## مهاجر<sup>6</sup>:

مجموعه عمومی سازمان ملل متحد در سال 1952 گزارش مفصل هیات حقوق بشر<sup>7</sup> را استماع نموده و فیصله نامه را به منظور حمایت از حقوق مهاجرین به تصویب رسانید. بر اصل این سند مهاجرچنین تعریف گردیده است: "واژه مهاجر به شخصی اطلاق میگردد: که کشوربومی خود را نسبت نبود ویا محدودیت شرایط اقتصادی و نبود شرایط رشد اجتماعی، ترک گفته و به کشور دیگری به منظور حصول مقاصد متذکره، همراه با فامیل ویا به تنهایی جایگزین میگردد". در سایر اسناد بین المللی معمولا به همچو افراد اصطلاح مهاجر اقتصادی<sup>8</sup> نیز استفاده شده است. هجوم ترکهای مهاجر به اروپا پس از جنگ دوم جهانی سرازیر شدن سیلی از هندوستانیهای تشنه به کار در بریتانیا، موجودیت ملیونها عرب در فرانسه و حضور یک ملیون و هفتصد هزار مهاجرتاجکستان در روسیه از مثالهای بارز مهاجرین اقتصادی به شمار میروند. یکی از مهمترین اسناد درین زمینه میثاق جهانی دفاع از حقوق مهاجرین کارگر<sup>9</sup> است که فیصله نامه (45/158) اسامبله ملل متحد آنرا به تصویب رسانیده است. ماده دوم این کنوانسیون جهانی چنین حکم مینماید "واژه مهاجرکارگر به کسی اطلاق میگردد که به گونه ای در فعالیتهای اقتصادی کشور دیگری که خود تابعیت آنرا ندارد (نبا به مشکل اقتصادی در کشور اصلی خویش، از ایندولت تقاضای مجوزکار کرده باشد) ، شامل باشد".

## پناهنده<sup>10</sup>:

ولی در شکل بندی و هدفمندی مهاجرتها، قوانین و مناسبات حقوق بین المللی، تعریف و مشخصه ای به پناهنده داده است که فرق بارزی با مهاجر اقتصادی «مهاجر کارگر» دارد. در کنوانسیون اپریل سال 1951 منعقدۀ ژینوا، به پناهنده چنین تعریفی داده میشود: «پناهنده ویا متقاضی پناهنده گی<sup>11</sup> به کسی اطلاق میشود که در کشور بومی اش نسبت فعالیت های عقیدتی، (ایدیالوژیک «سیاسی»)، جنس، نژاد، زبان، ملیت و قوم مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته باشد و یا عملا در خطر شکنجه<sup>12</sup> (روحی و فیزیکی)، زندان و مرگ قرار گرفته باشد. فرق بارزیکه میان این دو گروه اجتماعی موجود است در طرز تفکر، انتخاب محل زیست و نحوه برخورد در اجتماع جدید دیده میشود. در واقع وجه مشترک میان ایندو گروه همان جلاوطنی و غربت است که به دیدگاه های مختلف از جانب هردو به آن نگاه میشود. اولی آنرا خود پذیرفته و به بهبود وضعیت اقتصادی اش میپردازد در حالیکه دومی خودش را قربانی میندازد و هر چند که در فضای مطمئن و آرامی به سر میبرد، اما این حالت را تأمیل شده بالای خود مینگرد. زیرا اگر اشکالاتی راکه بدان در با لا اشاره کردیم وجود نمیداشت، پناهنده هیچگاهی ترک وطن نمی نمود، بهره مند از شرایط مدنی کشور اصلی اش میبود و تغییر مکان نمیداد. روشنفکران قربانیان اصلی این نوع پناهنده گی اند. در اجتماعاتیکه دیکتاتوران حرفهای نهایی را میزنند، آزاد اندیشان مجال فعالیت نمیابند و به ترک وطن مجبور میشوند. هر چند اقشار مختلف در اجتماعات بشری در مبارزه بخاطر بقای خویش دست در گریبان عالمی از مشکلات هستند ولی از قرار ارقام داده شده در گزارشات بین المللی: «پناهنده گان، مغز اجتماعات شان اند که به گونه های مختلف مجبور به ترک وطن میشوند»<sup>13</sup>.

در تازه ترین گزارش کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهنده گان چنین آمده است: "مهاجر کسیست که شرایط اقتصادی و بعضی ویژه گیها ویا معاذیراجتماعی (نبود شرایط لازم برای رشت مادی و معنوی خانواده، کمبود محل کار، فقدان شرایط تحصیل، کثافت محیط زیست، عدم موافقت با اخلاق اجتماعی) در کشور اصلی اش قناعت بخش رهایش وی نیست که در نتیجه به شرایط بهتری رهایشی رو میاورد، در حالیکه پناهنده به خواست خود نه بل چنین شرایطی بنا به احوال و اوضاع

<sup>6</sup> Migrant

<sup>7</sup> هیات حقوق بشر به منظور تهیه گزارش از وضعیت مهاجرین کاکر توضیف گردیده بود.

<sup>8</sup> Economical migrants

<sup>9</sup> Labour migrants

<sup>10</sup> Refugee

<sup>11</sup> Asylum seeker

<sup>12</sup> میثاق جهانی «منع هر نوع شکنجه وسایر برخوردهای غیر انسانی» منعقدۀ دسامبر سال 1984 بر سیستماتیک بودن انواع شکنجه ها که توسط دولتها اعمال میگردد، تأکید نموده است. درین سند جهانی، برخورد های غیر انسانی را به عنوان شکنجه غیر مستقیم تعریف کرده است.

<sup>13</sup> گزارش سازمان جهانی مهاجرین

سیاسی، نظامی و اجتماعی بالایش تأمیل میگردد. بنأ پناهنده قربانی پیگرد، تعقیب سیاسی و ایدیولوژیک در جامعه خویش است و یگانه راه نجات را در برون رفت فزیک از سرزمین آبایی خود میداند که عقلا و منطقاً از آن بیگانه نیماند".

گروپ بزرگ دیگر بیجا شده گان را فراریان اصلی جنگهای منطقوی، آسیب های طبیعی و تناقضات قومی و قبیلوی تشکیل میدهند. رووندا، افغانستان، کانگو، ... از آسیب دیده گان اصلی این معضل اند. افغانستان به تناسب نفوس خویش، بزرگترین کمیت بیجاشده گان را در جهان دارد. این نوع بیجاشده گان را پناهنده گان سرگردانی که معمولاً به گونه دسته جمعی به نزدیک ترین آدرس مطمئن ترمراجعه کرده و پناه میجویند، تشکیل میدهند. اینان بصورت معمول جنگ زده گانی اند که تلخترین حوادث را تجربه کرده اند و با دادن قربانیهای جانی و مالی خود شانرا به مناطق نسبتاً امن تری میکشانند، محوطه ای میابند، چادری باز میکنند و در زیر چتری ویا در فضای باز با عالمی از مشکلات متاثر از محیط زیست، وضع جوی، برخورد مردم محل و پولیس با این مهمانان نا خوانده، زنده گی بخور نمیر شانرا آغاز میکنند. ارقام تایید شده نشان میدهد که دو عشاریه هفت ملیون افغان در کشور پاکستان، یک ملیون و هشتصد هزار افغان در کشور ایران در طول جنگهای 25 ساله کوچیده اند. تضاد ها و درگیری های محلی، منطقوی و مذهبی در کشور های قاره افریقا ملیونها تن از این نوع بیجاشده گان را در برداشت که با قبول صدها هزار تن قربانی، وجدان و ضمیر بشریت را شدیداً متاثر ساخته است. بنابه تحقیقات مفصل که درین زمینه صورت گرفته، این دسته گروپهای سرگردان، اکثرابمنابه ارزان ترین نیرویهای کار به بازار های کشورهای میزبان به کار میپردازند و عده ای ازایشان توسط موسسات جهانی مورد مواظبت حدالمقدور قرار میگیرند. ولی اینها قربانیان حوادث مختلف مثلاً قاچاق انسان، اعتیاد به مواد مخدره و حوادث جرمی در جامعه جدید نیز میگردند. مافیای بین المللی سازمان یافته وگروپ های ترورستی، بهترین و متبازرترین افراد شانرا شانرا از میان جوانان تشنه به کار و آواره ای این نسل تباه شده سربازگیری میکنند و آنانرا قربانی وحشتناکترین سرنوشت ها میسازند...

در ادامه این بحث، افغانان را که بیشترین قربانیان این نوع غربت هستند به مطالعه گرفته ودریچه این مبحث پردرد را بروی همه باز میگذاریم.

ادامه دارد...

ملک ستیز

مسوول برنامه های افغانستان و آسیای میانه  
مرکز مطالعات بین المللی و حقوق بشر دنمارک